

هو الحکیم*

عنوان:

نقدی بر مبنای احمد الحسن در تشخیص کشف رحمانی



دکتر وحید باقر پورکاشانی



سیرتہاگھی SERATEHAGHI

آیت‌الله آقا سید موسی زرآبادی از
علمای بزرگ تشیع هستن، دارای
درجات عالی‌هی علمی و معنوی که از
شاگردان ایشان، آیت‌الله آقا شیخ
مجتبی قزوینی بوده، صاحب کتاب
بیان‌الفرقان؛ و این آقای زرآبادی،
شوهر خواهر آیت‌الله آقا شیخ
مجتبی قزوینی هم بوده.
خب ایشان می‌گه وقتی که در
قزوین بودم، امام جماعت بودم،
حالتی به من دست داد که
گاهی اوقات پشت دیوار رو می‌دیدم!

مسائل غیبی رو می دیدم!

این پیش رفت تا یکباره يك صدایی اومد
و به من گفت اگه می خوای ترقی پیدا بکنی
فوق این رو بهت بدیم، باید اعمال ظاهری رو
کنار بگذاری! یعنی نمازت و روزهات، این چیزها
رو کنار بگذاری! و من گفتم که آقا
اینها چیزهایی نیست که در دین،
ما بتونیم کنار بذاریم! و گفت خب
ازت می گیریم، گفت خب بگیرید
به تعبیری! و اونها همه رو

از ما گرفتن! بعد می گه من فهمیدم که این کشف،
کشف شیطانی بوده به تعبیری! و چقدر شیطان
براش مهم هست این اعمال ظاهری!

لذا به اون اعمال که مانند قبل
اهتمام می‌ورزیدم، شروع کردم مستحبات
رو هم با شدت و حدت بیشتری به
انجام دادن. خب می‌گه در پرتوی اون‌ها،
چیزهایی به دست آوردم که اون
چیزهای قبل چیزی نبود!
خب اولاً نگفته کشفی داشتم.
این بزرگواران فکر کردن که این حالت دوم
برای آقا سید موسی زرابادی کشف بوده!
بینید می‌گه که: «از فضل پروردگار
در پرتوی التزام به شرع مبین، حالاتی به من دست
داد که حالات پیشین در برابر آن ناچیز بود»

(کتاب اجساد جاویدان؛ مؤلف:

علی اکبر مهدی پور؛ صص ۳۱۴-۳۱۵).

حالاتی بوده! این رو دقت بفرمایید ایشان آوردن

که حالت اولی شیطانی بود، از کجا

معلوم حالت دومی، رحمانی بوده؟ اون هم

شاید شیطانی بوده! ببینید تا جایی

که این کشف، این خواب،

از ما چیزی ضد دین و ضد عقل

نخواست، از باب مؤید! دقت بکنید!

از باب مؤید! الآن این طوری نیست

که من خواب امام عصر علیه السلام

رو بینم بگم آقا جان این شیطان

هست که! من کجا این حرف رو زدم!

من می‌گم از باب مؤید، مورد قبول هست؛
اما اگر خواب و کشف ما در کنار عقل
و نصوص دینی حجیت داشته
باشه، نه نداره! عرض بنده این هست!
اما تا جایی به‌عنوان مؤید دین و مؤید عقل
می‌شه ازش استفاده کرد که تعارض
نداشته باشه؛ اما بنده صددرصد
می‌تونم بگم این رحمانی هست
یا شیطانی؟ خیر! این رو هم
نمی‌تونم بگم! و این نکته‌ی دوم
کشفی بر جناب آقای زرابادی نبوده
که بعداً بگه کشف دوم هم رحمانی
یا شیطانی هست.

ما تو این مقاله هم چیزی نیاوردیم
و این نقل قولی هم که بسیار گزارش کردن از آقا
سید موسی زرابادی که چیز درستی
هم هستم از استاد خودمون
آیت‌الله سیدان شنیدیم که از
آقا شیخ مجتبی قزوینی و خیلی
از کسان دیگر، حتی آقای مهدی‌پور
می‌گه این رو از آیت‌الله آقا شیخ محمدباقر ملکی
هم من شنیدم چنین چیزی بوده، اما نگفته کشفی بوده!
و گیرم هم اصلاً کشفی بوده،
بله، حرف شما درست نمی‌شه گفت کشف،
کشف رحمانی هست، ما چنین چیزی نگفتیم!

اصلاً دلیل اینکه ما به کار بردیم این

هست که افراد می‌تونن ولو آیت‌الله و علامه

باشن، فکر کنن يك چیزهایی که داده شده

از ناحیه‌ی رحمان هست، بعد از مدت‌ها

بفهمن این از ناحیه‌ی شیطان بوده!

عرض بنده رو این قسمت بود. به تقوا نیست!

وگرنه ایشون کسی بوده که نزدیکان و شاگردان

می‌گن ما از ایشون ترك اولی ندیدیم، مکروه

که هیچی! ترك اولی، یعنی رجحان دادن خوب

بر خوب‌تر. بین خوب و خوب‌تر ایشون چه کار بکنه؟

خوب رو انتخاب بکنه! همین اندازه ما ندیدیم ازش!

مکروه که جای خودش رو داره!

خب اگه بحث تقوا باشه،



دیگه باید ایشون صددرصد بگوید

رحمانی هست! می‌خوام بگم در اوج تزکیه‌ی نفس
و انجام واجبات و ترك محرمات و انجام مستحبات
و ترك مکروهات، حالاتی بر آقا سید موسی
زرآبادی دست می‌ده و به زعم خودش فکر می‌کرده
این‌ها از ناحیه‌ی رحمان هست! بعد می‌فهمه
این‌ها همه از ناحیه‌ی شیطان هست! ولو بر
این آدم متقی! می‌خوام بگم این شیطان این‌گونه نیست
که يك نفر با تقوا باشه نتونه بازیش بده!
هر کسی رو شیطان در لول خودش بازیش می‌ده،
هر کسی رو به يك نحوه‌ای بازی می‌ده!
این آقا رو این‌طوری خواسته بازی بده که این
هم متوجه شده ایستاده.

